

مارانی ای خداوند! مارانی، بلکه نام خود را جلال ده.

باسلام و درود؛

من یوسف ندرخانی، حمد و سپاس خود را اعلام می‌دارم به سبب همه محبت‌ها و محافظت‌هایی که خداوند در طول ایام زندگی ام داشت، علی‌الخصوص در این دوره‌ای که از محکومیت ام سپری شد و بدینوسید شکر و قدردانی می‌نمایم از همه آن کسانی که با صبر و سکینایی، چه به صورت آشکار و چه در خفا از هر نقطه‌ای در این جهان در رفع و حل موضوع مرایاری و مساعدت نمودند. از دل برای بگی این عزیزان دعای برکت و فیض خداوندی را دارم که خدای قادر مطلق نام اوست.

من در این رویداد که اندکی نیز از راه ضرورت برایم حادث شد تا امتحان ایمانی را که از طلای فانی با آزوده شدن در آتش، گرانها تر است تجربه‌ایم، خود را تنها و خاص ندیدم بلکه پیوسته آن را امتحانی نیز برای کسانی پنداشتم که خود نیز تابع قوانین و شریای و وجدان انسانی می‌باشند. بسیار خوشحالم که بعد از گذشت این زمان خداوند فیض عطا نمود که بتوانم در کنار همسر و فرزندانم باشم، عزیزانی که بیش از هر کس برایم مایه قوت و تسلی بودند چرا که عمل خدا را در ایشان مشاهده می‌نمودم.

حقیقتاً به اندازه‌ای که رنجایم در میخ افزون گشت به همان اندازه نیز فیض او در زندگی ام افزون گشتیاری ام نمود. او با توانایی بخشیدن به خانواده ام در تحمل شرایط و حمایت از ایشان چه به لحاظ معنوی و چه مادی بسیاری از بارهایم را برداشت.

خداوند با فراهم کردن محیطی مناسب و عواملی که در طول مدت دادرسی با هم برخورد داشتیم پیچیدن راه و امتحان ایمانم را سهل تر نمود، چنانکه در کلام خویش فرموده بود که ما را بیش از ایمان امتحان نمی‌کند.

بچنین نیز خوشحالم که اگر چه بر حسب شریعت اسلام متمم به ارتکاب ارتداد شدم، اما خداوند حکمتی را به حاکمان کشورم بخشید تا در این خصوص طبق قانون و همان شرعی که تبعیت از آن می‌کنند، موجبات برائت و آزادی من فراهم آید. در این زمینه و کلایم با استقلال کافی و کامل حقوقی، به عنوان حقوق بانان این سرزمین تلاش وافر می‌نمودند تا آنچه را که مورد توجه و تذکر حقوقی است مطرح نمایند که جادارده به طور خاص از بگی ایشان که در روند این دادرسی نقش آفرینی کردند شکر نمایم.

من از اینکه در عرصه دوره‌ای زندگی می‌کنم که مردانش از وقایع پیشین خود تا حد زیادی در سها و تجربه‌های کافی و لازم را گرفته‌اند و همچنین قوانینی را وضع نموده‌اند که جهان شمول تر باشد تا برای احقاق حقوق افراد مورد کار برد قرار گیرد، مسرور و خوشحالم و این را نتیجه زحمات افراد و خون‌های عزیزانی می‌دانم که در سرتاسر جهان طی سالیان متمادی ریخته شده است، تا این چنین شمری را بار آورده که من امروز از آن بهره‌مند گشته‌ام.

چنانکه در زندگی ایمانی ام نیزیدیون همه کسانی می باشم که کلام خداوند را به امانت پاس داشته و به من رسانده اند تا به حقیقت وارث خداوند گردم.

در پیمان عرایضم، خواست من این است؛

که در جهان صلح، پدیدار گردد. اراده او چنانکه در آسمان ها مورد اجراست بر زمین نیز کرده شود؛ زیرا که همه چیز زایل می گردد ولی کلام او تا به ابد برقرار می ماند.

فیض و رحمت خداوند با همه شاعرین بااد از حال تا به ابد. آمین.

یوسف نذر خانی

۱۳۹۱/۶/۲۱

